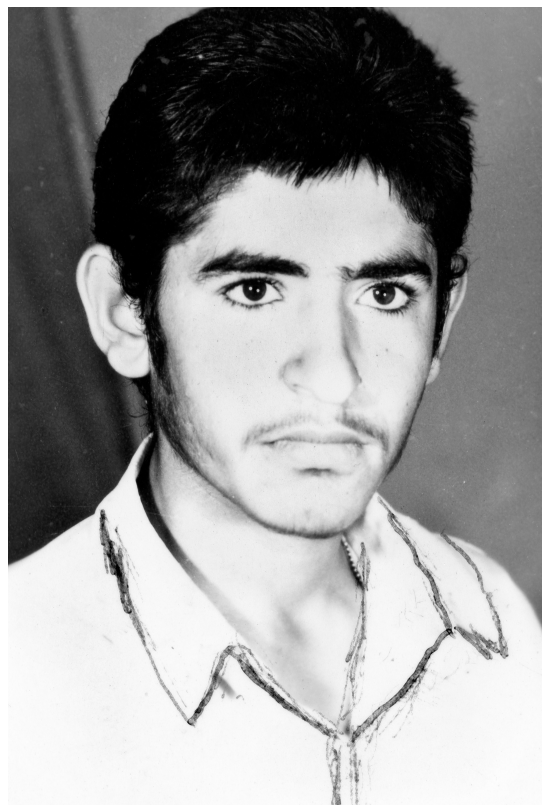


شهید حسنعلی قلی زاده




از بابت علی
سازمان جامع سوادداری و آموزش عالی ایران

| | |
|-------------|-----------------|
| نام پدر | عبدالله |
| تاریخ تولد | ۱۳۴۶/۰۷/۰۱ |
| محل تولد | بوشهر - دشتستان |
| تاریخ شهادت | ۱۳۶۳/۰۸/۱۹ |
| محل شهادت | مهاباد |
| مسئولیت | رزمنده |
| نوع عضویت | بسیج |
| شغل | دانش آموز |
| تحصیلات | دوره دبیرستان |
| مدفن | دهکهنه |

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید حسنعلی قلی زاده فرزند عبدالله در تاریخ ۱۵/۷/۱۳۴۶ در شهر شبانکاره پا به عرصه وجود گذاشت. شهید در خانواده ای و پرورش یافتگی در همان سن کودکی علاقه به نماز و مسجد و مجالس مذهبی در ایشان گشت. پدرش او را به همراه خود به مسجد و مجالس روضه خوانی می برد. چون پدرش تعصب به دستورات اسلام و سفارش ائمه داشت نام فرزند خود را حسن گذاشت و تاکید می کرد که می بایستی نام فرزندانم را از نام ائمه انتخاب نمایم.

شهید پس از هفت سالگی شروع به تحصیل در مدرسه نموده، چون آن زمان مصادف با تحرکات مردم علیه نظام ستم شاهی بود به دقت کودکی جریان انقلاب را زیر نظر داشت، با شروع انقلاب و تعطیلی مدارس و دانشگاه ها و راهپیمایی که توسط مردم، خود جوش صورت می گرفت، او نیز به سهم خود شرکت می نمود. ایشان با موفقیت دوره دبستان را پشت سر گذاشت و وارد مدرسه راهنمایی شد. در این زمان شهید با انجمن اسلامی همکاری خیلی خوبی داشت و در انجمن مدرسه راهنمایی امیر کبیر و بسیج شرکت می کرد و توسط مسئولین ذیربط مورد تشویق قرار می گرفت. شهید چون در خانواده ای فقیر متولد شده بود، از همان کودکی در مخارج خانواده به پدرش کمک می کرد و خود را متعهد به امرار معاش خانواده می دانست، یعنی از زمان تعطیلی مدارس کار را شروع می کرد و ظرف مدت تعطیلی مدارس مخارج خود را تا آخر سال تهیه می کرد. به پدرش می گفت. من با تأمین مخارج مدرسه و لباس خودم می توانم کمکی به تو کرده باشم.

شهید در امور فرهنگی مدرسه و بسیج عضو فعال بود و در مسجد امام خمینی با همکاری دوستش بنای یک کتابخانه عمومی را گذاشت که همانکون این کتابخانه با نام دوست شهیدالله کرم خواجه نام گذاری شده است.

شهید قلی زاده با آن سن و سال کم توانسته بود اعتماد دوستان، اولیا و مربیان و مردم را به خود جلب نماید، بطوری که امین بود و در ستکاری و تعهد اخلاقی آن، زبان زد عام و خاص محله روستا بود. شهید قلی زاده در برگزار نمودن نماز در مدرسه و همچنین تشویق کردن دوستان خود به شرکت در نماز و مجالس مذهبی کوشش و تلاش زیاد می کرد. ص ۴۴۸

با فرمان حضرت امام و تشکیل بسیج و با عشق و علاقه ای که به امام و دستورات آن والا مقام داشت عضو فعال بسیج محله شده بود و در درگیری هایی که توسط منافقین محلی پیش می آمد شرکت می کرد. شهید پس از دوران تحصیل راهنمایی و با موفقیت گذراندن این مقطع وارد دبیرستان شد و با ورود شهید به مقطع دبیرستان کشور ما مورد هجوم بیگانگان قرار گرفت و فصل عاشق شدن یار به پروردگار خود فرا رسید. او در آن زمان با تشویق دوستان و حتی بزرگترها برای حضور در جبهه و کمک کردن در پشت جبهه فعالیت چشم گیری داشت. تا اینکه پس از اجازه گرفتن از پدر و مادر خود و مدیران مدارس خود عاشقانه به جبهه های حق علیه باطل عزیمت نمود. با اینکه شهید در آن زمان در دبیرستان آزادی شبانکاره مشغول درس خواندن بود ولی به گفته خود شهید من و دوستان به جبهه می رویم تا برادران و خواهران بتوانند ادامه تحصیل دهند و دشمن نتواند ایجاد مزاحمت برای آنها بکنند. همچنین شهید در توجیه پدر و مادر خود می گفت: امروز که کشور و دین و ناموس ما مورد هجوم قرار گرفته، برتک تک ما مسلمانان وظیفه است که به ندای رهبر خود لبیک گفته و عاشقانه جانمان را فدای دین و قرآن و اسلام و کشورمان نماییم. اگر من در این راه شهید شدم به تمام آرزوهای خود رسیده ام، و در عزای من گریه و زاری نکنید. همیشه و در همه حال خود را ناظر بر اعمال خود بدانید، تا اینکه شهید در سال ۶۳ در واقع عهد و پیمانی که با خداوند و رهبر خدا بسته بود به آرزوی بلند خود یعنی درجه شهادت نایل آمد و برای ما خانواده شهید باعث عزت و سربلندی و افتخار در این جهان و جهان آخرت گردید.

وصیت نامه

ولا تحسبن الذين قتلو في سبيل الله امواتا بل احيا' عند ربهم يرزقون (قران كريم)

كسانی که در راه خدا کشته شده اند مرده نپندارید بلکه آنها زنده اند و در نزد خدای خویش روزی می خورند .

به نام اﷲ پاسدار حرمت خون شهیدان و درود و سلام بر امام امت . اینک در این مرحله از زمان که کشور اسلامی ما مورد هجوم قرار گرفته است این جانب وصیت نامه خود را می نویسم . ای پدر و مادر مهربان من ! شما را سپاس می گویم که مرا در دامن خود پرورش داده اید . پدر و مادر من ! اگر توفیق پیدا کردم و در راه خدا شهید شدم گریه و زاری نکنید و هرگز مؤیوس نشوید . اگر من توفیق شهادت پیدا کردم ، به آرزوی خود رسیده ام . مادر گرامی می دانم که از دست دادن فرزند خیلی ناگوار است اما تورا به خدا سوگند می دهم که در مصیبت من گریه مکن و مانند حضرت زینب صبر کن . من به عنوان یک برادر کوچک به شما برادران وصیت می کنم که همیشه پشتیبان امام باشید . اما تو ای پدر مهربان ! چگونه می توان زیر بار خجالت تو در بیایم که مرا بزرگ کردی و به اینجا رساندی و الان با دست خود می خواهی مرا به خاک بسپاری . ای خواهران و ای برادران که در تشییع جنازه من شرکت می کنید چگونه شما را سپاسگزاری کنم ، که این همه زحمت برای من کشیدید . در این حال که دارم این وصیت را می نویسم به یاد روزی می افتم که دارند مرا در گور می نهند و مادر من گریان است . مادر هرگز ، هرگز ، هرگز در عزای من گریه مکن زیرا من به آرزوی دیرینه خود یعنی شهادت رسیده ام . این جانب همیشه دعا گوی شما مردم حزب اﷲ

هستم . از کلیه اقوام ، دوستان ، خویشان ، معلمان ، دانش آموزان خواهش دارم در عزای من گریه نکنند . این جانب تمام دوستان خود را سلام می رسانم و می دانم که وصیتم زیاد است باید آن را بپذیرید . وصیت می کنم شما را ، در همه حال خدا را مورد نظر بیاورید و خدا را بر تمام کارهای خود ناظر بدانید . وصیت می کنم شما را به تقوا و پرهیزگاری . شما اقوام من همیشه مادرم را دلداري بدهید و نگذارید که گریه کند . مادر وصیت می کنم به تو که در عزای من گریه مکن و بدانید که من اگر شهید شدم به آرزوی خود رسیده ام . کلیه دوستان و برادران و خواهران را سلام می رسانم دیگر عرضی ندارم .

درود بر امام امت و مردم حزب اﷲ والسلام

برادر کوچک شما حسنعلی قلی زاده

۱۲ / ۴ / ۶۳

خاطرات

خاطرات شهید از زبان دوستان و نزدیکان

در یکی از روزها قبل از شروع کلاس، یکی از دانش آموزان که در نیمکت پشت سر شهید نشسته بود، به دوست خود که در نیمکت جلوتر از شهید نشسته بود خودکار پرت کرده که بعد از برخورد به سر او عصبانی می شود. چون آن دانش آموز فکر کرده بود که شهید قلی زاده او را با خود کار زده، با مشت به زیر چشم شهید می زند بطوری که زیر چشم شهید کبود می شود. در حالی که شهید بجای عصبانیت و رفتار نا پسند بلند می شود و ماجرا را برای همکلاسی خود توضیح می دهد و با کمال خونسردی و شهامت، از تقصیر او می گذرد که در نهایت باعث می شود که دانش آموز با گریه و صدای بلند از شهید معذرت خواهی می کند من نا آنجا که به خاطر دارم این رفتار پسندیده شهید چنان دوستی محکمی بین او و شهید بنیان نهاد که آن دانش آموز پس از سالها شهادت، هنوز به بالین قبر مطهر او می رود و شهید را به زبان برادر صدا می زند و گریه وزاری می کند. وی به ما دوستان می گوید: من در واقع برادر خود را از دست داده ام. همچنین خاطره ای که در ذهن من همیشه زنده و من آن را سرمشق زندگی خود قرار می دهم، اهمیت دادن شهید به فرایض دینی و مذهبی بود. مرا همیشه سفارش می کرد که نماز خود را سر وقت بخوان و نا آنجا که می توانی به تحصیل خود ادامه بده، چون بزرگان ما اهمیت زیادی به علم می دادند. باشد که خداوند ما را در جوار رحمت خود قرار داده و در روز قیامت این شهید والامقام شفاعت گر ما نزد امام زمان (عج) و خداوند متعال باشد.

بیان سجایای اخلاقی و خدمات و ویژگی های شهید از زبان خانواده و دوستان شهید

شهید با اینکه دوره تحصیل ابتدایی تحصیل آن همزمان با شروع انقلاب اسلامی و تعطیلی مدارس در اعتراض به دولت شاهنشاهی بود، در این تظاهرات و راهپیمایی دانش آموزان که توسط مربیان ترتیب داده می شد شرکت می نمود با شروع دوره تحصیل متوسطه و هم زمان شدن با تشکیل انجمن های اسلامی مدارس و تشکیل بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عضویت فعال در این تشکل های مقدس در آمد. هم چنین شهید با یکی از دوستان در مسجد نزدیک به منزل خود، با سرمایه های شخصی توانسته بودند بدست آورند بنای تشکیل ستاد تبلیغاتی که بعداً به نام ستاد تبلیغاتی شهید بهشتی نام گذاری شد راه اندازی کنند. در این کار واحد فرهنگی بسیج ابوذر شبانکاره نیز به کمک آنان شتافت. از ویژگی های اخلاقی شهید این بود که با توجه به اخلاق و رفتار ایشان که تداعی یک شخصیت بزرگ را می نمود در صداقت و گفتار و عدل کلیه دوستان و آشنایان به نظرات و پیشنهادات او اهمیت فراوان می دادند. از ویژگی های اخلاقی دیگر شهید والامقام این بود که همیشه دوستان و آشنایان و همکلاسی ها را تشویق به شرکت در نماز جمعه و مجالس مذهبی و نماز خواندن به جماعت می کرد. همچنین دوستان و آشنایان را تشویق می کرد که بجای شب نشینی های بیهوده، با شرکت کردن در بسیج و نشستن پای صحبت بزرگترها و سخنرانی هایی که توسط روحانیون محلی انجام می شود هدایت بهتر خویش را تضمین کنند. از دیگر خصوصیات اخلاقی شهید این بود که به آراستگی و پاکیزه بودن لباس های خود در وقت نماز اهمیت فراوان می داد و به دوستان خود نیز سفارش می کرد که در وقت خواندن نماز و رفتن به مجالس مذهبی همیشه آراسته و با لباس های تمیز شرکت نمایند و به ظاهر خود توجه و اهمیت دهند، زیرا خداوند مؤمنان را در کتاب آسمانی، به پاکیزگی و نظافت سفارش کرده است. از دیگر خصیای ایشان که می توان به آن اشاره کرد راستگویی و پرهیزگاری و اجتناب از تکبر در حق دوستان و آشنایان اشاره نمود. با آن که سن شهید پایین بود ولی به همین خصوصیات که ذکر شد، همیشه دوستان از او می خواستند که در بین آنها در مواردی که اختلاف پیش می آمد قضاوت کند. همیشه و در همه حال او را قبول داشتند.

بچه های مخلص میدان جنگ عاشقان عشقبازی با تفنگ

راهیان جاده های سرخ نور چشم های مست از جام غرور

در جنون ، عشق از ولی بگرفته اید درس از سید علی بگرفته اید

حضرت سید علی ، ای مرد عشق ! آشنا با التهاب ای مرد عشق

ای شهید زنده ای مولای ما جانشین روح حق ، آقای ما

ای شهید زنده این انقلاب کاخ کینه از سخنهایت خراب

ای شهید زنده آزادگان رهبر عظمای شیعه در جهان

ای شهید زنده! توفانیم ما هم نژادابرو بارانیم ما

عشق از طوفان ما سر می زند مثل بغض لاله پرپر می زند

ای شهید زنده! ما آزاده ایم در رخت ما جان و سر بنهاده ایم

ای شهید زنده جانبازها معدن عرفان و رمز و رازها

ذوالفقار حیدری دست علی است در مقام رهبری او منجلی ست

حضرت سید علی! ای پاسدار آستان نور را میراث دار

چون که خود رزمنده و جانباز هست مهدی موعود (عج) را همراز هست

یاوران دین حق ، نورانی اند! در ره قرآن و دین قربانی اند

ای شهید زنده رزمنده ها وارث برحق روح ا[ما

سراینده: فریدون حداد سامانی

خاطره

در زمان تحصیل یک روز من و برادرم در راه برگشت از مدرسه به خانه بودیم که با یکی از هم کلاسیهایم به بهانه واهی دعوی کردم و چون فکر می کردم که برادرم همراه من است با او در گیر شدم . ولی بر خلاف تصور من برادر شهیدم در آن دعوی مرا حمایت نکرد ، بلکه مرا سرزنش نمود و از همکلاسی من معذرت خواهی کرده و

صورت او را بوسید ، من از رفتار خود خجل شدم . وقتی بقیه دوستان علت کمک نکردن شهید به من را جویا شدند جواب داد : من تشخیص دادم که برادرم مقصر بوده است و بر خلاف وجدان خود نمی توانستم او را حمایت نمایم . در واقع شهید با این رفتار پسندیده , حسن اخلاق و ادب را به من آموخت و این خاطره سالها پس از شهادت آن بزرگوار در ذهن من ماندگار می باشد . لطفاً بفرمائید غیر از شما برادر یا خواهری دارد ؟ جـ بلی دو برادر و دو خواهر ، یکی از برادرانم که دانشجوی رشته مهندسی ساختمان بود در سانحه تصادف درگذشت و دیگر برادرم در بسیج مقاومت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشغول به خدمت می باشد .



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران